

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۱۱ اپریل ۲۰۱۰

۲۱ اردیبهشت [ثور] ۱۳۸۹

اعدام‌ها، ادامه سیاست رژیم جمهوری اسلامی!

بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی طناب دار را بر گردن تعدادی از مخالفین خود انداخت و جان پنج تن دیگر - فرزاد کمانگر، علی حیدریان، فرهاد وکیلی، شیرین علم‌هولی و مهدی اسلامیان - را گرفت. اعدام کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان از زمان حاکمیت سران حکومت به یک روز و دو روز خلاصه نمی‌گردد. همه سال‌ها و ماه‌ها و روز‌ها، فرزندان محروم‌ترین اقشار جامعه به بهانه‌های متفاوت به زیر تیغ جلادان رفته‌اند تا سرمایه‌داران با خاطری آسوده به حیات ننگین خویش ادامه دهند. این جانیان چهره ایران و کانون گرم خانواده‌ها را ماتم زده نموده‌اند و هر روز بر سیه روزی آن‌ها می‌افزایند. این چه جامعه‌ایست که برای مردم ساخته‌اند؛ این چه رژیمیست که حیات انسانی این‌گونه تلف می‌شود و به هدر می‌رود. مرگ و نابودی مدافعین مردم و مخالفان توسط سران حکومت بسیار آسان انجام می‌گیرد و جان آدمی در چنین نظام‌هایی کمترین ارزشی ندارد. سران حکومت در عمل و بارها و بارها نشان داده‌اند که پایداری حکومت‌شان با شکنجه و سرکوب و اعدام‌ها گره خورده است؛ نشان داده‌اند که معنای آزادی چیزی جز تسلیم و کرنش در مقابل جانیان بشریت و پذیرش فقر و محنت و بدبختی هر چه بیشتر نیست. واضح است که اعدام‌ها در ایران قابل شمار نیست و سران حکومت در پرونده خود هزاران جنایت و کُشت و کُشتار کارگران، زحمت‌کشان، زنان، دانشجویان و اقشار محروم را بایگانی نموده‌اند. انتظار دیگری از آنان نیست. چرا که جمهوری اسلامی یعنی جنگ و جنایت؛ یعنی به یغما بُردن دسترنج و تنمه‌های کارگران و زحمت‌کشان؛ یعنی سرکوب ممتد مخالفان و مدافعان حقوق انسانی. با این زبان تولد یافت و با این زبان به میدان آمد و با هیچ زبانی به غیر از زبان سرکوب آشنا نیست. پایه‌های حاکمیت و خشت خود را با شکنجه و اعدام پی ریخته است و هر روز با آن جان تازه‌ای می‌گیرد. می‌زند و می‌کشد تا پا بر جا بماند. خشونت ذاتی جمهوری اسلامی ناشی از هویت پذیرائی‌اش می‌باشد و شناسنامه سران حکومت بدون انجام آن و بدون بر افراشتن روزانه دار و شکنجه بی اعتبار است و بی تردید از قلم خواهند افتاد.

روزهای تلخ و اعدام‌های دسته‌جمعی بهترین فرزندان توده‌های محروم توسط جلادان و شکنجه‌گران رژیم جمهوری اسلامی در درون زندان‌های مخوف و در دهه‌های متفاوت فراموش نشدنی‌ست. به راستی که سؤال این است جرم هزاران کمونیست، مبارز و مخالف و اعدام‌شدگان اخیر چه بوده است؟ اینان مؤلد کدام شرایط بوده و می‌باشند؟ آیا آزاد زیستن حق ابتدائی انسان‌ها نیست و در این میان کدامین آرمان‌ها، سد راه پیشرفت بشریت و قطع آگاهی‌های درون جامعه است؟ چه کسانی آمر و عامل کُشت و کُشتاراند؟ به غیر از این است که قدرت‌مداران جهانی و رژیم‌های سرکوبگر و وابسته‌ای همچون رژیم جمهوری اسلامی بانی تباهی زندگی اولی انسانی و گسترش فقر و نکبت در جامعه‌اند؟ به غیر از این است که زندگی در جوامع امروزی چیزی جز مشاهده روزانه فقر و بدبختی و جنگ و خون و خونریزی نیست؟ به غیر از این است که این سرمایه‌داران و سران رژیم جمهوری اسلامی‌اند که این شرایط و زندگی نکبت‌بار را به ملیون‌ها انسان محروم تحمیل نموده‌اند؟ به غیر از این است که قدرت جمهوری اسلامی با سرکوب تعریف گردیده است و بدون ارتکاب جنایات قادر به حکمرانی نیست؟

این رژیم، معرف خون و خونریزی‌ست و واضح است که اوضاع و روند کنونی ادامه خواهد یافت و تا زمانی که رژیم جمهوری اسلامی به عنوان رژیم هار و افسار گسیخته بر سر کار است، بساط اعدام‌ها پا بر جا خواهد بود. چرا که بدون آن بی معناست و بدون آن هویت خود را از دست خواهد داد. واضح است تا زمانی که حیات سرمایه در پهنه ایران لنگر انداخته است، اعدام‌ها و شکنجه‌های وحشیانه توده‌های محروم و فرزندان‌شان همچون هیولائی سهمیگن بر فضای جامعه مان سنگینی خواهد کرد. واضح است که با وجود این عناصر، ماشین سرکوب رژیم از شتاب خود باز نخواهد ایستاد و هم‌اکنون و تعداد دیگری - بناء به خود خبرگزاری‌های رژیم - به مرگ محکوم گردیده‌اند و در صف اعدام‌اند. همه این‌کارها در نظامی صورت می‌گیرد که بالاترین مقام آن وقیحانه خبر از "بالاترین آزادی‌ها در ایران" را می‌دهد. آزادی که کمترین قربانی با آرمان‌های اولی انسانی ندارد. به دلیل این که عده‌ای سودجو و منفور و آن‌هم به پاس سلاح و تجهیزات نظامی بر اریکه قدرت تکیه زده‌اند و قلب انسان‌های آزاده و مخالفان را در درون سینه‌های‌شان حبس می‌کنند.

این تصویر حقیقی چندین دهه جامعه مان می‌باشد و بالطبع با وجود رژیم جمهوری اسلامی چشم‌اندازی در تغییر چنین روندی متصور نیست. شکی در آن نیست که چرخه زمانه همواره و دائماً نمی‌تواند بر اساس امیال و خواسته‌های سران حکومت به گردش در آید و واضح است که روزی این جانیان تاوان تمامی کرده‌های‌شان را باز پس خواهند داد. واضح است که این حرکت و روند یعنی به زیر کشیدن حاکمیت آنان و باز پس‌گیری تمامی اعمال کثیف‌شان از سوی انقلاب و انقلابیون را با هیچ توصیه "انسانی" باز داشت. حقیقتاً جنایاتی که سران حکومت در حق محروم‌ترین اقشار جامعه مرتکب گردیده‌اند، نه فراموش شدنی‌اند و نه قابل بخشش. بالطبع پاسخ چنین اعمالی چیزی جز برخورد مقابله‌ای و سازمانیافته از جانب مدافعین منافع کارگران و زحمت‌کشان نیست. زور دولتی، سی سالی‌ست که سازمانیافته عمل می‌کند و طناب دار را بر در هر خانه‌ای می‌برد و زندگی خانواده‌ها را به تباهی کامل می‌کشاند. همین چند روز قبل بود که این رژیم بیش از پنجاه تن از افغانی‌ها را به بهانه‌های متفاوت از دم تیغ گذراند. انسانی‌هایی که قربانی مناسبات گندیده نظام‌های امپریالیستی‌اند و به منظور امرار معاش و زندگی مجبور به ترک خانه و کاشانه‌شان خود گردیده‌اند؛ انسانی‌هایی که از کمترین حقوق در جامعه ایران برخوردارند و به شدیدترین شکل ممکنه مورد استثمار، سرکوب، توهین و تحقیر قرار می‌گیرند.

این بساط باید خاتمه یابد و زنجیرهای آنرا با سازماندهی مدبرانه و با تعرض عملی به ارگان‌های سرکوبگر نظام، از هم گسست. شکی در آن نیست که بدون تغییر معادله و روند تاکتونی، طناب دار و بگیر و به بندهای جمهوری اسلامی بر دوام خواهد ماند و جان انسان‌های دیگری را خواهد گرفت. اعتراض حقیقی و ثمربخش در اتخاذ سیاست‌ها و تاکتیک‌های متناسب با واقعیات درونی رژیم جمهوری اسلامی نهفته می‌باشد. به دلیل اینکه این رژیم راه هرگونه گفتمان و دیالوگ اولیه را بسته است و بنابر این تنها با زبان تعریف و تثبیت شده‌ی می‌توان به میدان آمد و از حق و حقوق اولیه محروم‌ترین اقشار جامعه دفاع نمود. در یک کلام باید گفت که خلاف آن پاسخگو نیست و هزینه‌پرداز است.